

بررسی سبک شناختی عناصر جامعه در عهدنامه مالک اشتر و دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه

علی صادق نژاد*

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۶

محمد حسن معصومی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۸

سیداکبر غضنفری***

چکیده

معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «style» است. یکی از دانش‌هایی که امروزه در قلمرو زبان و ادبیات چون دیگر حوزه‌های هنری اهمیت و استقلال یافته، سبک‌شناسی است. سبک‌شناسی توصیف و تحلیل انواع صورت‌های زبانی در کاربردهای عملی زبان است. مفاهیم سبک و تنوع سبکی در زبان مبتنی بر این فرض کلی است که درون نظام زبان محتوایی واحد را می‌توان در بیش از یک صورت زبانی رمزگذاری کرد. سبک در زبان صرفاً نمایی روپنایی نیست، بلکه بر عکس بخش اساسی از معنای رسانده شده توسط نویسنده را تشکیل می‌دهد. سبک‌شناسی برای بررسی همه انواع متون کاربرد دارد اما بررسی متون دینی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های سبک‌شناسی است. جامعه یعنی مجموعه‌هایی از افراد انسانی که با نظامات و سنن، آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند؛ امام علی(ع) و امام سجّاد(ع) ضمن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها بیانات علمی و ارزشمندی درباره این پدیده ارائه داده‌اند.

کلیدواژگان: نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، جامعه، عهدنامه، توصیف ادبی - هنری.

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

نویسنده مسئول: محمد حسن معصومی

مقدمه

سبک در اصطلاح ادبی عبارت است از «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده، درباره حقیقت است» (بهار، ۱۳۴۹: مقدمه ج ۱). از شاخصه‌های مهم سبک، تکرار و تداوم هدفمند رفتارهای زبانی خاص در یک اثر و متن است. در سبک ادبی، فردیت و شخصی شدن سبک، از مسائل مهم و اساسی در شناخت سبک به شمار می‌آید. مقصود از فردیت، انعکاس ویژگی‌های شخصی گوینده مانند علایق، خلیقات، عواطف و عقاید شخصی وی است که در گفتار و یا نوشتارش نمود یافته و موجب تمایز سبک وی با نویسنده دیگر می‌شود. در نوع ادبی شعر، حضور صنعت‌های بلاغی و عناصر ادبی زمینه بروز مشخصه‌ها و حالت‌های روحی و فردی را فراهم می‌سازد، صورت‌های مجازی سخن از آنجا از رهگذر خیال پدید می‌آیند، پیش از زبان عادی قابلیت شخصی شدن را دارا هستند چراکه برانگیخته از احساسات فردی و عواطف درونی و باطنی گوینده است و نگرش وی را نسبت به مسائل مختلف عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و... آشکار می‌سازد. «سبک شناسی جهت کشف نشانه‌هایی که به طور کلی حامل بار عاطفی کلام هستند صورت می‌گیرد. از آنجا که عملکرد نوآورانه زبان در قالب زبان ادبی، تا حد زیادی از ساختار ترکیبی آن در گفتارهای عادی و یا علمی متفاوت است. از این رو سبک شناسی به بررسی بعد عاطفی پدیده‌های زبانی که در اصطلاح خروج از قواعد زبان معیار که شیوه زبانی و عقلانی صرف نامیده می‌شود اهتمام می‌ورزد و تا حد توان بر آن است تا بار احساسی و عاطفی‌ای را که موجب تنوع متون می‌شود کشف نماید» (عبدالمطلب، ۱۹۹۴: ۲۰۵). یکی از موضوعات مهمی که در اسلوب شناسی اثر ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی و تحلیل قلمروهای سبکی زبان متن، و به دیگر سخن سبک شناسی متن است. «سبک شناسی آوایی، ارزش و نحوه کاربرد آواها و تأثیرات زیبایی شناسی و نقش عمده آن‌ها را در سبک سخن، مطالعه و بررسی می‌کند و نتایج روشن و دقیقی در تحلیل و بررسی موسیقی شعر و یا نثر ادبی و همچنین سبک ادبی صاحب اثر ارائه می‌دهد (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۳).

صحیفه سجاده، مجموعه‌ای از ادعیه/امام سجاده(ع) است که بعد از قرآن کریم و کتاب مقدس نهج البلاغه حاوی والاترین معارف الهی شمرده می‌شود، و به حق «اخت القرآن»، انجیل اهل بیت(علیهم السلام) و زبور آل محمد(ص) لقب یافته است. نهج البلاغه و صحیفه سجاده از جمله متون ادبی هستند که شیوه‌های ادبی به کار گرفته شده در آن‌ها مطابق با مقتضای حال است. بی‌تردید زندگانی امیر مؤمنان و امام سجاده(ع) به عرصه‌ای بیکران می‌ماند که مشکل بتوان با یک نگاه و حتی از طریق پژوهش به ژرفای آن ره یافت؛ و به مانند اقیانوسی است که هر از سوئی بنگری سراسر شکوه و عظمت است و اعماق شخصیت برجسته امام(ع) از هر جهت دربردارنده سگفتی‌ها و مرواریدهای گرانبه‌ای است و این سخن جای مبالغه و زیاده‌گویی ندارد، چراکه حیات معنوی و انسانی امام(ع) خود گواه صادقی بر این مدعاست و به حق کاویدن ابعاد آن به آسانی امکانپذیر نمی‌باشد.

در اندیشه دینی به طور فراگیر و اندیشه اسلامی به نحو خاص، توجه ویژه‌ای به پدیده جامعه صورت گرفته و درباره جایگاه، ماهیت، ساختار و قوانین حاکم بر آن فراوان سخن گفته شده و از ابعاد و زوایای دیدگاه‌های مختلف و با روش‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفته است(ممتحن و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). امام علی(ع) و امام سجاده(ع) نیز در مجموعه دعاها و نامه‌های خود که مقدار فراوانی از آن‌ها در کتاب نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده گردآوری شده، درباره جامعه مسلمانان و رفتارهای مردمانی که آن را تشکیل می‌دهند در موقعیت‌ها و به مناسبت‌های مختلف سخن گفته و از زوایای گوناگون به آن پرداخته است. البته آنچه که در رابطه با عهدنامه ۵۳- که همان عهدنامه تاریخی امام(ع) به مالک اشتر نخعی است- و مشخصاً بخشی از آن که در رابطه با رسیدگی به امور اقشار محروم جامعه است مورد بررسی قرار می‌گیرد، و همچنین دعای چهل و هفتم صحیفه سجاده. ساختار ادبی و هنری آن است که امام(ع) در تبیین و تصویر وظایفی که بناست والی او در جامعه انجام دهد به کار برده است و از این طریق به زیبایی مضامین آن‌ها افزوده است. این ساختار ادبی را می‌توان از جنبه‌های مختلف بلاغی مورد تحلیل قرار داد و جلوه‌های زیبایی آن را و نمود. محقق در پژوهش حاضر با

روش توصیفی- تحلیلی به پردازش تطبیقی داده‌ها پرداخته و در پی یافتن پاسخ برای سؤالات زیر است:

- رابطه سبک کلام با معنا چگونه است؟
- امام علی(ع) در رابطه با رسیدگی به طبقات محروم جامعه از چه مؤلفه‌های ادبی - هنری ویژه‌ای بهره برده است؟
- امام سجّاد(ع) در دعای چهل و هفتم از چه عناصر ادبی-هنری استفاده کرده است؟

پیشینه پژوهش

از جمله مقالات و پایان‌نامه‌های صورت گرفته در موضوعات مرتبط با پژوهش حاضر به شرح ذیل است؛ مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل سبک‌شناسی آوایی خطبه‌های نهج البلاغه»، نویسندگان: غفوری‌فر، محمد؛ خرمی، مهدی؛ شمس‌آبادی، حسین؛ گنجعلی، عباس؛ مجله زبان و ادبیات عربی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۱۵، صص ۱۲۳ تا ۱۵۶ به زیور طبع آراسته شده است. پژوهشی با موضوع «کارکرد ادات ربطی در انسجام بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه» نویسنده: نظری، علی رضا؛ مجله پژوهشنامه نهج البلاغه پاییز ۱۳۹۲، شماره ۳، صص ۳۳ تا ۵۴ منتشر شده است. مقاله‌ای با موضوع «سبک‌شناسی روش‌های نظری امام علی(ع) در افزایش معرفت دینی مردم» نویسندگان: یعقوبیان، محمد حسن؛ ربانی، هاجر؛ مجله پژوهشنامه نهج البلاغه، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱۳، صص ۶۳ تا ۸۰ منتشر شده است. مقاله‌ای دیگر «نگاهی سبک‌شناسانه به خطبه «متقین»»، نویسندگان: اقبالی، عباس؛ حسن پور، مهوش؛ مجله پژوهشنامه نهج البلاغه تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱۴، صص ۱۰۹ تا ۱۲۸ به چاپ رسیده است. مقاله‌ای با عنوان «ادبیات سخنان امام سجّاد(ع) و صحیفه سجّادیه» نویسنده: میرقادری، سید فضل‌الله؛ مجله اندیشه دینی، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱۵، صص ۱۱۹-۱۳۴. مقاله‌ای دیگر با موضوع «صحیفه سجّادیه و ترجمه‌ای جدید به فارسی» ناقد: بهار دوست، علی رضا؛ مجله کتاب ماه دین، آبان ۱۳۸۸، شماره ۱۴۵، صص ۳۰-۳۲. «فراهنجاری در صحیفه سجّادیه برجسته سازی در سطح آوایی، واژگانی، نحوی و

معنایی» نویسندگان: گنجعلی، عباس؛ قادری، آزاده؛ سیفی، محسن؛ مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۹، صص ۱۴۵-۱۶۲. همچنین پژوهشی دیگر با محوریت «تأملی در یک ترجمه از صحیفه سجادیه» نویسنده: سلطانی، محمد علی؛ مجله آینه پژوهش، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷، شماره ۴۹، صص ۱۹-۲۴ نگاشته شده است همچنین طبق بررسی و جست‌وجوهای صورت گرفته تا کنون این موضوع در ایران و کشورهای عربی مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

نگرشی بر سبک‌شناسی ادبی

سبک در اصطلاح ادبی عبارت است از «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده، درباره حقیقت است» (بهار، ۱۳۴۹: مقدمه ج ۱). سبک‌شناسی به معنای حقیقی خود در ایران سابقه‌ای ندارد و نخستین آثار این فن به صورت بسیار ضعیف در تذکره‌ها دیده می‌شود. تذکره نویسان در ترجمه احوال یک شاعر یا نویسنده در مورد سبک وی تسامح می‌کردند و گفتار را با تمجید و اغراق به پایان می‌رساندند. در ایران هرگاه سخن از روش بیانی یک نویسنده یا شاعر بوده است. کلمات، طرز، طریقه، شیوه، نمط، سیاق، اسلوب و مانند این‌ها به کار می‌رفته است (میر صادقی، ۱۳۷۳: ۱۲۷). بررسی سبک سخن در ایران، با «سبک‌شناسی» بهار آغاز شد. کتاب سه جلدی وی - «سبک‌شناسی یا سیر تطور نثر فارسی» - به بررسی آثار نثر فارسی از آغاز تمدن اسلامی تا عصر حاضر نموده است. نکته بسیار مهم در سبک‌شناسی توجه به بسامد است. اصولاً سبک از طریق مقایسه قابل ادراک است چنانکه رنگ‌ها در تقابل یکدیگر خود را نشان می‌دهند. در مطالعه نثر و انحراف از آن، وجود یک یا چند عنصر سبکی چندان اهمیت ندارد اما بسامد عناصر سبکی اهمیت دارد؛ مثلاً کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم از ویژگی‌های سبک خراسانی است اما از مختصات غزل حافظ نیست هرچند که در دیوان حافظ به کار رفته باشد زیرا بسامد آن اندک است. هر سبکی نسبت به سبک دیگر دارای انحراف است و این یعنی سبک؛ مثلاً دیوان سعدی یک هنجار یا

نرم است و غزل صائب در مقایسه با آن خارج از نرم است اما، هر دو سبک دارند. از اینجاست که برخی در تعریف سبک می‌گویند: سبک یعنی عدول از نرم (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۳۷-۳۸). سبک از جهات مختلفی قابل تقسیم است؛ از این رو، در عرصه ادبیات اقسام سبک ادبی متفاوتی به وجود آمده است.

نقاشان، خطاطان و تمامی هنرمندان دارای سبکی خاص در آثار هنری خود هستند. نویسندگان و گویندگان نیز در ارائه مطالب خود، از سبک خاصی تبعیت می‌کنند. حال این ویژگی‌های مشترک و متکرر که سبک ساز شده، گاهی آشکار است و گاه پنهان و پوشیده (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۴). برخی سبک نوشتاری را فقط محصول گزینش خاصی از واژه‌ها و تعابیر و عبارات مختلف دانسته‌اند و می‌گویند «سبک نوشتاری، دربردارنده ادبیات و طرز بیان جملات است». در این میان عده‌ای هر گزینش خاصی از کلمات و واژه‌ها را سبک نمی‌دانند بلکه معتقدند سبک حاصل خروج از هنجارهای عادی زبان است و سبک عبارت است از «انحراف از نرم». مثلاً به جای گفتن: زمانی که جنگ درگرفت، گفته شود: آنگاه که شیپور رزم دمیده شد (همان: ۶۳). حال چه سبک نوشتاری را ادبی و لفظی بدانیم (بنا بر تعریف اول) و چه برخاسته از فکر، خلیات و روحیات نویسنده (بنا بر تعریف دوم)، بایستی آن ویژگی‌های سبک ساز متعدد و متکرر باشد و با ارائه یک لفظ، جمله، فکر و خروج از نرم، نمی‌توان صاحب اثر را دارای آن سبک دانست.

پردازش تحلیلی موضوع

سبک، روش یا طرز خاصی از بیان افکار است که گوینده یا نویسنده در گفتارش به کار برده و با انتخاب کلمات و الفاظ و تعابیر خاص به انتقال اندیشه‌های خود می‌پردازد. در حقیقت مطلب او یک روح و ویژگی خاص دارد که آن را از بقیه مطالب با از سخنان دیگر گویندگان متمایز می‌نماید و این ویژگی همان سبک است. سطح زبانی مقوله گسترده‌ای است، از این رو آن را به سه سطح کوچک‌تر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌کنیم؛ به سطح آوایی می‌توان سطح موسیقایی متن نیز گفت، زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی آفرین بررسی می‌کنیم. موسیقی بیرونی که شامل بررسی وزن و قافیه می‌شود و موسیقی درونی متن که به وسیله صنایع بدیع لفظی از قبیل انواع

سجع و تکرار و انواع جناس به وجود می‌آید (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۵۳). شناخت سبک یک اثر ادبی، گامی مؤثر در جهت بدست دادن نظرات و عقاید نسبتاً درست، درباره صاحب اثر است. تحلیل سبکی نامه عهدنامه/مأم علی(ع) با مالک/اشتر نخعی در نهج البلاغه، و دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه نیازمند روش‌هایی است که از ساده‌ترین آن‌ها، بررسی در سطوح سه گانه زبانی، فکری و ادبی است:

۱. سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه‌ها

روانی یا پیچیدگی متن ادبی، بر خاسته از عملکرد ادیب در گزینش واژگان، بکارگیری آن‌ها و چگونگی چیدمان الفاظ در کنار یکدیگر است. تنوع واژگان ادیب یکی از بارزترین ویژگی‌های سبکی او می‌باشد که بر روش و سبک او دلالت دارد و نشانگر نوع نگارش واژگان و جملات توسط وی می‌باشد، به همین دلیل انتظار می‌رود که بررسی فراوانی کلمات و واژگان در نمونه‌های ادبی منجر به شناخت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و نشانه‌های ممتاز یک سبک و در واقع سبک‌شناسی ادیب شود؛ از همین رو نامه/مأم علی(ع) خطاب به مالک/اشتر در نهج البلاغه و دعای چهل و هفتم از لحاظ واژه‌شناختی در موارد ذیل مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

لایه‌های واژگانی: مانند واژه «تَفْتَحِمُهُ» (اقتحم الانسان الأمر العظيم و تَفَحَّمَهُ: وقع فيه (ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده «فَحَمَّ»)) که به معنای خرد و ناچیز شمردن است؛ این واژه حوزه معنایی این پیام را با خود دارد که: گویی خوش نداری حتی نیم نگاه به آنان بیندازی. همچنین واژه «فَرَّغَ» که وقتی می‌گویند «فَرَّغَ الشَّخْصَ لِعَمَلٍ»؛ یعنی او را در شرایطی قرار داد تا وقت خود را ویژه آن کار قرار دهد، که به لحاظ معناشناسی می‌تواند این پیام را داشته باشد که افرادی را به کار رسیدگی به امور مردم بگمار که وقت خود را کاملاً مخصوص این کار قرار می‌دهند و به اصطلاح روی آن تمرکز کنند، افزون بر این، ساختار باب «تفعیل» نیز که فعل «فَرَّغَ» در آن ساختار آمده نیز دلالت بر مبالغه دارد؛ یعنی پیوسته چنین کن و نیز واژه «تُشْخِصُ» در تعبیر «لَا تُشْخِصُ هَمَّكَ عَنْهُمْ»، بدین معنی آمده است: «لا تصرف اهتمامک عن ملاحظه شؤونهم» یعنی از توجه و عنایت در رسیدگی به امور آن‌ها بی‌توجهی مکن زیرا «شخص عنه» به نوعی روی

برگردانی مطلق را می‌رساند در مقابل «شَخَصْ إِلَى» که توجه و روی‌آوری تام را پیام‌آور است.

همینطور واژه «بَطْر» که به معنای سرکشی در اثر برخورداری از نعمت فراوان است؛ چراکه این حالت «بطر» انسان را مطلقاً از رسیدگی به امور نیازمندان باز می‌دارد. بنابراین گزینش این واژه از فرهنگ لغت یا معجم به لحاظ معناشناسی نشان از دقت نظر و فصاحت و بلاغت‌شناسی گوینده دارد.

کنار هم آوردن دو واژه «قانع» و «مُعْتَر» دلالت ویژه‌ای دارد؛ زیرا به معنای نیازمندی است که زبان سؤال و درخواست را دارد؛ اما «مُعْتَر» به معنای نیازمندی است که زبان حال دارد نه زبان قال؛ افزون بر این، کنار هم قرار دادن این دو واژه می‌تواند حاوی این پیام باشد که «مبادا از ناسپاسی و اعتراض نیازمندان ناراحت شوی، زیرا طبیعی است که شخص نیازمند گاه از کوره در می‌رود و عقده‌ها و ناراحتی‌های خود را حتی در برابر فردی که به او نیکی کرده است، آشکار می‌سازد» (مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین (ع): ۶۲).

و در واژه «متتبع»، تناسب لفظ و معنا مشهود است «والتتبعه فی الکلام: التردد فیه من عجز أوعى والمراد غیر خائف تعبيراً باللازم» (شرح نهج البلاغه، محمد عبده: ۲۱۵)؛ منظور از تتبع در سخن گفتن درگیر شدن زبان است که از ناتوانی و عجز ناشی می‌شود و البته مراد نترسیدن هنگام سخن گفتن است، زیرا نترسیدن، عدم ناتوانی در صحبت کردن است یا به عکس صحبت کردن به روانی و آسودگی نشان از نترسیدن گوینده دارد. از این گذشته ساختارهای اسمی یا فعلی مزید، دلالت ژرف‌تری بر معانی دارند و اصولاً فزونی حروف در باب‌های فعلی مختلف نشان از فزونی معنی دارد. / ابن جنی با آوردن مثال‌هایی این معنا را مستدل کرده، می‌گوید: «مثل خَشْن و اخشوشن، فمعنی خَشْن دون معنی اخشوشن لما فیه من تکریر العین و زیادة الواو» (ابن جنی، الخصائص، ج ۳: ۲۶۴)؛ مانند خَشْن و اخشوش، که معنی نخست غیر از معنای دومی است زیرا در اخشوش عین الفعل تکرار شده و حرف «واو» نیز اضافه شده است و این به دلالت معنایی عمق بیش‌تری می‌بخشد. متن در شرایط تاریخی اجتماعی متفاوتی از زمان خوانش متن امروز نگاشته شده است. هر شرایط تاریخی، دلالت‌های معنایی خاص آن

دوره را داراست. آنچنان که تأویل کنندگان (خواننده‌ها) دگرگون می‌شوند، هم‌پای آن‌ها معنای اثر نیز تفاوت می‌کند. در نتیجه موقعیت موجود یا همان ساختار متن را باید دریافت کنندگان هستی عینی ببخشند تا «به مقام اثر هنری ادبی دست یابد. پس از اثر هنگامی به مثابه اثر ادبی در نظر گرفته می‌شود که «خوانده» شود. معنای اثر فارغ از زمان نیست بلکه در دل تاریخ شکل می‌گیرد (گلدمن، ۱۳۷۷: ۲۵) همانگونه که در دعای چهل و هفتم از صحیفه مبارکه سجادیه مشاهده می‌کنیم/امام سجّاد(ع) از واژگان عربی در جایگاه ویژه‌ای استفاده کرده است و گاه بنا بر گنجینه لغوی فراوانش مترادف‌های واژه‌ها را با دقت به کاربرد هر یک ذکر کرده است به طور مثال در دعای زیر واژه‌های (رقدة/ سنة/ نعسة) که دارای معانی نزدیک به هم هستند:

«وَتَبَهَّنِي مِنْ رَقْدَةِ الْعَافِلِينَ وَسِنَةِ الْمُسْرِفِينَ وَنَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ».

ترجمه آیتی: ای خداوند، مرا از خواب غافلان و ناهشیاری اسراف‌کاران و خواب آلودگی خذلان رسیدگان بیدار و آگاه ساز (آیتی، ۱۳۷۲: ۳۰۵)

«رقدة» و «سنة» و «نعسة» همگی استعاره تصریحیه اصلیه برای غفلت و جهل می‌باشند. بنا بر سخن سید علی موسوی گرمارودی: در کل شیوه من در ترجمه هر این کتاب یکی بوده است؛ یعنی نثری که نثر معیار است به اضافه کمی از آرکایسم یا همان باستان‌گرایی. به نظر آیزر، متن و خواننده هر دو برای هستی بخشیدن به اثر ادبی لازم‌اند؛ لذت و تجربه زیباشناختی تنها پس از درگیر کردن تخیل خواننده با متن دست می‌دهند (iser, 1974: 274-294). در اینجا نیز در دو استعاره ابتدای او و آیتی از واژه‌های یکسان استفاده کرده‌اند لیکن در ترجمه واژه «نعسة» گرمارودی آن را خواب سبک ترجمه نموده است. واژه‌های «رَقْدَةُ الْعَافِلِينَ» و «سِنَةُ الْمُسْرِفِينَ» و «نَعْسَةُ الْمَخْذُولِينَ» سه استعاره مصرحه هستند که با توجه به اینکه عامل تخیل در استعاره حضور مؤثری دارد؛ از همین رو واژه‌های خواب غافلان/ خواب بی‌خبران/ خواب اهل غفلت و در ترجمه واژه «سنة المسرفین» (ناهشیاری اسرافکاران/ بیهوشی مردم مسرف/ خواب آلودگی گزافکاران/ خواب آلودگی اسراف‌کنندگان) آورده شده است. شاید نکته مهمی که در ترجمه این استعاره‌ها مطرح باشد عنصر عاطفه و تخیل باشد که هر یک از ترجمه‌های فوق زیبایی خاصی به متن دینی می‌بخشد و به تناسب دعائی بودن متن

مبدأ هر واژه‌ای که در بردارنده عاطفه متفاوت با ترجمه دیگری است. بر همین اساس زیبایی ترجمه استعاره‌ها در متن صحیفه سجّادیه به قطعی نبودن ترجمه از سوی مترجمان است که چه بسا خواننده‌ای بر حسب عاطفه خویش با ترجمه واژه مستعار ارتباط بهتری برای درک معنا پیدا کند که خواننده دیگری آن حسّ و ارتباط را برقرار نماید.

۲. سطح ادبی بلاغی

یکی دیگر از سطوح شناختی سبک آثار ادبی، سطح بلاغی متن است که در آن متن ادبی از لحاظ وجوه بیانی همانند تقييد، معانی امر و نهی، و معانی تأکید و غیره مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه نیز که حضرت علی(ع) و امام سجّاد(ع) با فصاحت و بلاغت بی نظیرشان آن را نگاشته‌اند سرشار از عناصر بیانی مثال زدنی است که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

(۱) تقييد: شیوه تقييد در این خطبه، کارکرد ویژه خود را داشته و به رسایی معنا کمک می‌کند؛ از جمله در موردی که رعایت حق را امری سنگین معرفی می‌کند؛ اما با آوردن مواردی، مستثنیات آن را اینگونه ذکر می‌کند: «الحق کله ثقيل وقد يخففه الله علی اقوام طلبوا العافیه فصبروا انفسهم و وثقوا بصدق موعود الله لهم»؛ البته رعایت حق به طور کلی سنگین است اما خداوند آن را برای آنانی که طالب آخرت‌اند و نفس خود را به صبوری تمرین می‌دهند و به وعده‌های الهی اطمینان دارند، آسان می‌گرداند.

در جای دیگری از کارگزاران مورد اطمینان سخن می‌گوید و خصوصیت شخصیتی آنان را با آوردن قید «من أهل الخشية والتواضع» متمایز می‌سازد، آنجا که می‌فرماید: «ففرغ لأولئك، ثقتك من أهل الخشية والتواضع» آنگاه برای این گروه از کارگزاران مورد اطمینان خود که خداترس و فروتن‌اند، مأمور رسیدگی به مشکلات اینان بگمارد.

مورد دیگر تقييد را در تعبیر: «وتجلس لهم مجلساً عاماً» ملاحظه می‌کنیم که توصیه به ملاقات عمومی دارد، اصولاً مجال ملاقات دادن خود یک ارزش است؛ اما این ارزش زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به شکل عمومی و به اصطلاح بار عام باشد، چراکه حضور یا ملاقات عمومی، شکل مردمی بیشتری دارد؛ اما در عبارت «تفقّد أمور

مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمَةُ الْعِيُونَ وَتَحْقِرُهُ الرِّجَالُ»، خواسته شده به طور ویژه به کسانی رسیدگی شود که اخبار آنان به والی نمی‌رسد، به خصوص آنان که به چشم نمی‌آیند و به نوعی خرد و ناچیز شمرده می‌شوند. و یکی از رساترین قیدهای متن را در عبارت: «أَعْطِيَ مَا أُعْطِيَتَ هَنِيئًا» و مشخصاً در قید حالت «هنیئاً» می‌یابیم که نوعی توجه ویژه به داد و دهش خردمندانه است زمانی که بی‌منت و گوارا باشد.

به عنوان مثال در دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه نمونه‌ای از تقييد را ملاحظه می‌کنیم. نخستین نوع تقييد در مفعول مطلق نوعی می‌باشد که با قید نوع طوق را مشخص کرده است و دو جمله فعلیه یحبط/ یذهب به عنوان حالت می‌باشد:

«وَطَوَّقَنِي طُوقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا يُحْبِطُ الْحَسَنَاتِ وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ»

ترجمه آیتی: بار خدایا، طوق گردن من ساز دل برکندن مرا از هر چه حسناتم را بی‌ارج می‌سازد و برکاتم را از میان می‌برد (آیتی، ۱۳۷۲: ۳۳۰).

و یا در مثالی دیگر که از قیود حالت و تأکید استفاده نموده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي التَّحْفِظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَالْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرُدُّ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤْتِرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَجَوْرِي، وَيَيْئَسَ وَلِيِّي مِنْ مَيْلِي وَأَنْحِطَاطِ هَوَايَ وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»

همانگونه که در عبارت فوق ملاحظه می‌شود/امام سجّاد(ع) از قیود حالت و تأکید بسیاری استفاده نموده است.

۲) امر و نهی: از آنجایی که متن عهدنامه آکنده از سفارش‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی است؛ لذا شیوه انشایی «امر و نهی» در آن کاربرد فراوان دارد؛ مجموعه‌ای از این امر و نهی‌های متوالی که در این فراز از عهدنامه آمده است، عبارت‌اند از «واحفظ الله... واجعل لهم... فلا تشخص همك... ولا تصعر خدك... وتفقد... ففرغ... فليرفع... اعمل فيهم... فأعذر... وتعهد... واجعل... احتمال... وأعط... وامنع» که تمامی آن‌ها به صورت مستقیم است؛ یعنی با شیوه انشایی طلبی بیان شده است؛ اما مواردی نیز با عبارت‌های خبری آمده است که مراد از آن‌ها نیز طلب و درخواست است؛

یعنی در عین خبری یا گزارشی بودن جنبه انشائی و مشخصاً ارشادی دارند مانند «تفرغ لهم شخصک... وتجلس لهم مجلساً... فتتواضع فيه لله... وتقعده عنهم جندک...» این نحوه یا اسلوب بیانی مخاطب را ترغیب بیش‌تری در انجام امری می‌کند که از او خواسته شده است، ضمن اینکه نوعی تفنن یا هنرآوری در گفتار با تنوع بخشی به آن است. استاد علی‌الفرج فرایند استفاده از جمله خبری به جای جمله انشائی را اینگونه مورد تحلیل قرار داده است: «ولعلّ التحليل البلاغی الأقرب لهذا التحول هو أن البنية الخيرية لما تدلّ عليه من المفروغية عن حصول الحدث لنقل تلك الشحنة التي تقوم بدورها يدفع المخاطب لتنفيذ المطلوب» (علی‌الفرج، تکوین البلاغه: ۱۶۹)؛ شاید مناسب‌ترین تحلیل برای این نوع جابه‌جایی یا چرخش در گفتار این باشد که چون در جمله خبری، کار به نوعی پایان یافته تلقی می‌شود، لذا بار معنایی که در چنین جمله‌ای وجود دارد خود به خود مخاطب را بر آن می‌دارد تا کاری را که از رهگذر خبر از او خواسته شده، انجام دهد.

در صحیفه سجادیه و به ویژه دعای چهل و هفتم تعداد بسیاری از فعل امر را می‌بینیم که /امام سجّاد(ع) با درخواست متضرّعانه از خداوند متعال می‌خواهد که او را از شرّ‌رهایی دهد و به راه راست هدایت فرماید:

«اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ الْخَسَدِ، وَأَحْضُرْنِي عَنِ الذَّنُوبِ، وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَخَارِمِ، وَلَا تُجَرِّئْنِي عَلَى الْمَعَاصِي، وَأَجْعَلْ هَوَايَ عِنْدَكَ، وَرِضَايَ فِيمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَفِيمَا خَوْلْتَنِي وَفِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَأَجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَاتِي مَحْفُوظًا مَكْلُوءًا مَسْتُورًا مَمْنُوعًا مَعَادًا مُجَارًا.»

۳) تأکید: این شیوه به اشکال گوناگون در این فراز از عهدنامه به کار برده شده است، نمونه‌های آن را می‌توان در شروع انفجاری آغازین متن ملاحظه کنیم؛ یعنی در عبارت: «الله، الله» که تأکیدی لفظی است و خود به عنوان سبکی گفتاری در میان گویش‌وران عرب به ویژه خطیبان رواج داشته و غرض از آن، هم تأکید بر مضمون خطبه بوده و هم جلب توجه شنوندگان.

یکی دیگر از انواع تأکید، اقتباس از قرآن و کلام اولیای دین است. حضرت در این بخش از عهدنامه خود از کلام رسول اکرم، استفاده نموده و سخن خود را با آن مورد

تأکید قرار می‌دهد، آنجا که می‌فرماید «إتی سمعت رسول الله، یقول فی غیر موطن: لن تقدس أمة لا يأخذ للضعیف فیها حقّه من القویّ غیر متتبع»؛ من بارها از رسول خدا شنیدم که فرمود: ملتی که در آن حق ناتوان از زورمندان بدون لکنت زبان و با صراحت نستاند، روی قداست و پاکی نخواهند دید. در جمله فعلیه «لا یشغلنک» نیز نون مشدّد که از حروف تأکید به شمار می‌رود، نشان تأکید دیگری است که با آن از مخاطب خواسته شده تا غرور و حکومت‌داری او را از رسیدگی به امور مردم باز ندارد؛ آنجا که می‌فرماید: «لا یشغلنک عنهم بطرّ».

این پویایی در تکرار و تأکید واژگان در دعای چهل و هفتادم به وضوح مشخص است که با وجود تکرار دعای (لک الحمد...) در هر فراز از دعای چهل هفتم که ستایشی بی‌نظیر از خداوند است، آورده شده است:

«وَلْکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَدُومُ بَدَوا مَک؛ وَلْکَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِک؛ وَلْکَ الْحَمْدُ حَمْدًا یُوازِی صَنعَک»

ترجمه آیتی: حمد باد تو را، حمدی که به دوام تو بر دوام ماند، حمد باد تو را، حمدی که تا نعمت جاودانه است جاودانه ماند، حمد باد تو را، حمدی در برابر احسانت، حمدی که به خشنودیت بیفزاید (آیتی، ۱۳۷۲: ۳۱۵).

تصویرهای بیانی: تصویرهای بیانی در این بخش از عهدنامه، بروز و ظهور ویژه‌ای دارند. از نمونه‌های آن می‌توان به کنایه در تعبیر: «لا تصعر خدک لهم» اشاره نمود که کنایه از روی برگرداندن از سر تکبر و خودبزرگ‌بینی است، همچنین تعبیر: «ذوی الرّقة فی السنّ» کنایه از سالخوردگی است، انتخاب این تعبیر به نوعی یادآور شدن و خاطر نشان نمودن وضعیت آنان و به گونه‌ای ایجاد حس عطوفت نسبت به ایشان است، و در عبارت «أکناف الرّحمة» استعاره مکنیه را ملاحظه می‌کنیم که طی آن برای رحمت الهی، اطراف و اکنافی تخیل شده است، گویی این رحمت الهی عرصه یا زمینی گسترده است که اطراف و اکنافی قابل قبض و بسط و یا گستردگی و کاستی دارند ضمن اینکه فن تجسیم نیز در آن نمایان است.

در دعای چهل و هفتم صحیفه سجّادیه، امام سجّاد(ع) از درگاه خداوند باری تعالی رهایی از تعلّقات دنیوی را خواهان است و واژه «نزع حبّ دنیا» استعاره مکنیه‌ای می‌باشد

که این نامعین بودن ترجمه استعاره و تشبیه باعث تعادل در ارتباط زبان مبدأ و مقصد شده و زیبایی منحصر به فردی از دل این تناسب میان متن و خواننده حاصل می‌شود؛ از دیگر مثال‌های آن:

«وَأَنْزَعَ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ وَتَذْهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ»

ترجمه آیتی: خداوندا، برکن از دل من محبت این جهان سفله را که راه مرا از دست یافتن به خیراتی که در نزد توست می‌بندد و چون خواهم که به سوی تو آیم سد راه من می‌شود و از تقرب به درگاه تو غافل می‌گرداند (آیتی، ۱۳۷۲: ۳۲۰).

در دعای صحیفه مبارکه سجادیه درباره نیایش در دفع مکر دشمنان و ردّ قهر و غلبه ایشان است به در کمین نشستن دشمنان وی اشاره دارد که همچون درنده‌ای که در کمین شکار خود می‌نشیند آن‌ها نیز همین تصویر را در مقابلش دارند که تصویر نخست مشبه، و تصویر دوم از کمین حیوان درنده مشبه به می‌باشد و وجه شبه هر دو در کمین بودن برای شکار است و این نوع از تشبیه تمثیلی می‌باشد که جلوه خاصی به این دعاء بخشیده است:

«وَقُلْتُ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ»

ترجمه الهی قمشه‌ای: و نیز تو خود گفته‌ای: «مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند مثل دانه‌ای است که هفت خوشه بر آورد، و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد، خدا پاداش هر که را بخواهد، چند برابر می‌کند (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۲: ۲۸۲).

برای بیان مفاهیم و ادای معانی با بهره از خیال، شیوه‌های گوناگونی وجود دارد که شاعران در خلق سخن تازه از آن‌ها استفاده کرده‌اند. یکی از این شیوه‌ها، حس‌آمیزی است که عبارت است از القای معنی با ترکیبات و تعبیری که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس به یکدیگر یا جانشینی آن‌ها خبر دهد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۴۱). به عنوان نمونه وقتی ترکیب «سکوت سنگین» را به کار می‌بریم، دو حس شنوایی و بساوایی را با هم آمیخته‌ایم و سکوت را به جای آنکه با گوش حس کنیم، با دست لمس کرده و آن را سنگین یافته‌ایم (میرصادقی، ۱۳۷۴: ۹۳). ادبیات عرب از

این شیوه با تعابیر «الحس المتوازن» یا «تبادل الحواس» یاد شده است (وهبه، ۱۹۹۷: ۵۵۶). در صحیفه مبارکه سجادیه با توجه به ترجمه مختلف آن عبدالمحمد الهی قمشه‌ای و سید علی موسوی گرمارودی هر یک ترجمه‌ای خاص از عنصر بلاغی حس‌آمیزی داشتند که بسیار ظریفانه می‌باشد:

«وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةٍ مِنْ سَعَتِكَ، وَاللَّجْتِهَادِ فِيمَا يُزْلِفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَأَتَجَفَّنِي بِتُحَفِّةٍ مِنْ تُحَفَاتِكَ»

ترجمه الهی قمشه‌ای: و کامیابم ساز با فراغت از هر کار به لذت کاری که محبوب تو است و با وسعتی که خاص رحمت واسعه تو است و جهد و کوشش را در راه تقرب به حضرتت و لذت حضورت قرار ده و تحفه‌ای از کرائم الطاف خاص خود، مرا عطا فرما (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۷: ۲۳۱).

ترجمه گرمارودی: مزه فراغ و آسودگی را برای انجام آنچه تو دوست می‌داری به من بچشان و برای کوشش در آنچه مرا به پیشگاه تو و به تو نزدیک می‌کند آماده فرما؛ و ارمغانی از ارمغان‌هایت را به من ارزانی دار (گرمارودی: ۳۶۷).

در نهج البلاغه نیز حضرت علی (ع) از وجوه بیانی متعددی همچون تشبیه، استعاره، مجاز و حس‌آمیزی در راستای مفاهیم اجتماعی مد نظرش بهره برده است که به طور مثال در برخی از عهدنامه مالک اشتر از عنصر تشبیه استفاده کرده و (الجنود) را به عنوان مشبه به (حصون الرعیة) مشبه به تشبیه کرده است که وجه شبه‌شان (نفوذناپذیری) می‌باشد که برقراری امنیت اجتماعی را ضامن است:

«فَالْجُنُودُ بِأَذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَرَيْنُ الْوَلَاةِ، وَعِزُّ الدِّينِ، وَسُبُلُ الْأَمْنِ، وَلَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ»

ارتش به اذن خداوند، دژ مردم و زینت حاکمان و ارجمندی دین و راه‌های امنیت‌اند، که مردم بدون آنان بر پای نمانند.

۳. سطح آوایی

از جمله مسائلی که باعث ایجاد اختلاف در سبک‌های مختلف می‌شود، سطح آوایی یا موسیقایی آن است که بر زیبایی و تأثیرگذاری یک نوشتار می‌افزاید تحلیل سبک آوایی

متون، به فهم طبیعت آن‌ها و کشف زیبایی‌های آن کمک می‌کند و افزون بر آن، به کشف واکنش‌های روحی و عاطفی که آفریننده اثر سبب شده که آواها و موسیقی‌های خاصی را برگزینند، کمک می‌کند و «بر همگان مبرهن است که صوت، جلوه‌گاه احساسات درونی است و این انفعال، طبیعتاً سبب تنوع صوت و آوا می‌شود» (الرافعی، ۱۹۹۷: ۱۶۹)، به دیگر سخن، «احساسات و عواطف درونی مبدع اثر، سبب شده که او بتواند از اصوات و الفاظی خاص برای ایجاد موسیقی و تأثیرگذاری هرچه بیش‌تر متن خود بر خواننده بهره‌گیرد (الصالح، ۲۰۰۳: ۴). سبک‌شناسی آوایی، نحوه کاربرد واحدهای آوایی (صدا و آهنگ) در یک موقعیت زبانی و نیز کارکرد بیانی آواهای زبان را بررسی می‌کند. اهمیت تغییرات آوایی به عناصر صوری زبان محدود نمی‌شود، بلکه نظام آوایی در تغییرات معنایی جمله و آهنگ‌های نحوی کلام نیز دارای اهمیت بسیاری است؛ تحلیل آوایی به الگوهای صوتی و شیوه تلفظی در زبان گفتار و نوشتار نظر دارد و در پی پاسخ به این پرسش است که کاربرد خاص الگوهای آوایی و واجی زبان، تا چه اندازه می‌تواند گفتار یک شخص را برجسته کند و به آن شکلی خاصی بدهد؛ به گونه‌ای که با شکل عادی سخن و زبان معیار متفاوت باشد. بنابراین می‌توان از خلال بررسی سطح آوایی، به عملکرد ادیب یا آفریننده اثر حکم کرد: زیرا در آوا، امکانات بیانی مهمی وجود دارد؛ بنابراین آواها، آهنگ‌ها، انبوهی و گستردگی آن‌ها، استمرار و تکرارشان، و نیز فاصله صامت‌ها، همگی با ماده خویش، دربردارنده توان بیانی جذابی هستند» (فضل، ۱۹۹۸: ۲۵).

حال به بررسی مؤلفه‌های موسیقی آفرینی همچون سجع، ریتم حروف و تکرار در نامه چهل و هفتم و عهدنامه مالک / شتر نخعی می‌پردازیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَحْسُدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ، وَحَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»

همانگونه که در مثال فوق ملاحظه می‌نماییم / امام سجّاد (ع) از ابتدا از تنوین‌های مکسور متعددی در واژه‌های (أحدٍ / دین / عافیه / سعة / رخاء) استفاده کرده است که

ریتمی زیبا و جذّاب را به متن دعاء بخشیده است که مخاطب را به هیجان و می‌دارد تا ادامه دعاء را نیز با همان سبک ادامه دهد و در ادامه از حرف (کاف) در یک سطر به شکل متناوب استفاده کرده است که سجعی نیکو رو پدید آورده است: (ذَلِكَ / بِكَ / مِنْكَ / وَحَدِكَ / شَرِيكَ / لَكَ) که واقعاً از امام سجّاد(ع) می‌توان چنین تکرار زیبایی را در یک عبارت انتظار داشت.

امام علی(ع) خطبه خود را با چندین سجع نمکین می‌کند، بدین نحو که با بکارگیری به اندازه و به موقع این آرایه و بی آنکه در آوردن آن‌ها تعمدی داشته باشد، کلامش آراسته به آن می‌گردد و این فضای آهنگین بر تأثیرگذاری کلام می‌افزاید و میزان تأثیرپذیری از آن از سوی مخاطبان را دوچندان می‌کند.

همچنین در سطح واژه‌ها و نیز عبارت‌ها، آرایه تقابل دیده می‌شود در سطح توازن‌های میان عبارت‌ها نیز در سطح متن جلوه ویژه خود را دارند به نحوی که عبارت‌ها تا پایان خطبه دو به دو یا چند به چند هم وزن یکدیگر هستند و این شگرد آهنگ مؤثر و گیرای خود را پدید می‌آورد.

این تقابل و توازن در کنار یکدیگر ترکیب سوی را پدید می‌آورند که مرحوم دکتر بستانی از آن به نام تقابل متوازن یاد می‌کند و در تعریف آن می‌گوید: «مقصود از [تقابل متوازن] آن است که ویژگی‌ها و مشخصات گوناگون دو پدیده با یکدیگر متوازن باشند» (محمود البستانی، بلاغت جدید: ۱۲۵).

۴. سطح معنایی

واقع‌گرایی اجتماعی: امام(ع) در بخشی از این عهدنامه به پاره‌ای واقعیت‌های اجتماعی اشاره دارد که به گونه‌ای منعکس‌کننده فلسفه تاریخ است؛ آنجا که می‌فرماید: «ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ وَالْحَقُّ كَلَةٌ ثَقِيلٌ» و این یک واقعیت است که انسان اعم از حاکم و محکوم هرچند در باب حق‌مداری و رعایت اصول و موازین حق پیشگی بکوشد، باز هم در انجام و اجرای آن دچار سختی و مشقت می‌شود و به ویژه حاکم جامعه که به جهت گستردگی حوزه مسئولیت‌هایش بسیار دشوار است که بتواند جمیع جهات عدالت اجتماعی را مراعات و اجرا کند.

از دیگر اشارات حضرت به واقعیت‌های اجتماعی و قانونمندی نظام جامعه و علت‌پذیری امور در اشاره حضرت به قانون کنش و واکنش یا عمل و پاداش عمل است؛ آنجا که می‌فرماید: «احتمل الخرق... أكناف الرحمة» گویی برآمدن منطقی و طبیعی جواب شرط تحقق شرط است، چنانچه درشتی شهروندان و فرودستان را تحمل کنی و پرخاشگری ایشان را برتابی، ابواب رحمت و لطف الهی بر روی تو گشوده خواهد شد. این سفارش‌های اخلاقی برای زمامدار به گونه‌ای وی را از قانونمندی نظام جهان آگاه کردن است.

عهدنامه امام علی به مالک/اشتر را می‌توان از نخستین نامه‌های اجتماعی به شمار آورد که سازمان ملل متحد آن را به عنوان سند حقوقی مهمی مد نظر قرار داده و آن را منبعی مهم و مسأله‌ای اساسی برای حقوق بشر برشمرده است، تا جایی که دبیر کل این سازمان در مورد آن گفته است این عبارت از عهدنامه مالک اشتر را باید بر سر در کلیه مؤسسات و سازمان‌های حقوقی در سراسر جهان نصب کرد که می‌فرماید: «أشعر قلبك الرحمة والمحبة لهم والالطف بهم ولا تكونن عليهم سبعا ضاريا تغتנם أكلهم، فانهم صنفان: إما أخ لك في الدين وإما نظير لك في الخلق»؛ قلب خود را کانون لطف و رحمت در مردم قرار ده؛ با همه دوست و مهربان باش. مبادا در مورد آنان همچون حیوان درنده‌ای باشی که شکارشان را غنیمت شماری، چراکه مردم از دو حال خارج نیستند، یا برادر دینی تو هستند و یا نظیر تو در آفرینش.

این عبارت کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا خواهان آن شود که کلیه دستگاه‌های حقوقی و قانونی این عهدنامه را بررسی و مطالعه کنند و به عنوان یکی از منابع روابط بین‌الملل در نظر بگیرند و سرانجام نیز پس از بحث و گفت‌وگوهای فراوانی که به مدت دو سال به طول کشید، اکثر کشورهای جهان رأی به آن دادند که این عهدنامه به عنوان یک از منابع قانونگذاری بین‌المللی مد نظر قرار گیرد.

و اما در خصوص مضمون یا درونمایه این فرازی که اکنون بررسی می‌کنیم می‌بایست گفت: «در هر جامعه کسانی هستند که دچار محرومیت یا ضعف شده‌اند و یا تحت ستم زورمندان و زرداران قرار گرفته‌اند، حکومت حق و عدل باید همه را به یک چشم بنگرد؛ ولی موظف است با دستگیری و حمایت ویژه از این گروه مجال بهره‌مندی ایشان را از

تساوی حقوق و امکانات فراهم آورد» (دانشنامه امام علی، ج ۶، مقاله: امام علی و سیاست، علی ذوعلم: ۳۴).

به هر روی درونمایه انسانی بلند این عهدنامه و گیرایی آن مخاطب را دچار شگفتی می‌کند و در وی تأثیر بسزایی می‌گذارد؛ یعنی همان تأثیری که تصویرهای ادبی و بلاغی در گیرندگان پیام ایجاد می‌کند؛ به واقع پیام عمیق و انسانی این متن نوعی خشنودی هنری بی‌مانند در جان و روح شنوندگان پدید آورده که همانند تأثیر خشنودی ناشی از هنرهای زیباست که در فرد هیجان ویژه‌ای ایجاد می‌کند و احياناً او را از خود بیخود می‌نماید.

از دیگر نمونه‌های بلاغت مضمون در سطحی جزئی‌تر، موردی است که امام به قطعیت و حتمیت نظام تکوین و به اصطلاح معاصر به فلسفه نظام اجتماعی اشاره می‌کند و این راز نهان در نظام مذکور را می‌نمایاند؛ اینگونه: «... ثم احتمال الخرق منهم والعی ونح عنهم الضیق والأنف، یبسط الله لک بذلک أکناف رحمة و یوجب لک ثواب طاعته»؛ بنابراین درشتی و بدزبانی آنان را تحمل کن و تنگ‌نظری و بی‌حوصلگی و غرور را از خود دور ساز (که بتوانند حرف دل خود را بزنند) تا خدا هم درهای رحمتش را به رویت بگشاید و تو را اجر اطاعت بخشد.

بی‌شک تحمل کردن جهالت یا تندخویی شهروندان و عجز و ناتوانی ایشان در بیان خواسته‌های شان نباید موجب دلخوری و خشم و عصبانیت تو شود، چراکه این تحمل و خویشن‌داری پی‌آمدهای نیکی دارد؛ از جمله اینکه خداوند الطاف رحمت خویش را بر تو می‌گستراند و ثواب اطاعت و فرمانبرداری از او را برایت مقرر می‌دارد.

این سبک یا شیوه در سفارش و توصیه به انجام کار نیک، به نحوی ایجاد تشویق و ترغیب در به جای آوردن مسئولیت‌های اجتماعی است و به لحاظ ادبی نوعی به اصطلاح «تفنن» یعنی هنرآوری و یا از فنی به فن دیگر پرداختن برای اقناع مخاطب است. از دیگر اشاراتی که امام در این بخش از توصیه‌های خود دارد، خاطر نشان کردن حق‌مداری و رعایت حقوق آحاد جامعه است و اینکه این امر بس دشوار و سنگین است، آنجا که می‌فرماید: «والحق کله ثقیل»؛ البته رعایت حق به طور کلی سنگین است. استفاده از ظرفیت صحیفه سجادیه می‌تواند جامعه را به آرامش روحی و روانی سوق دهد و مسلماً

انواع توسعه و پیشرفت در سایه آرامش جامعه تحقق می‌یابد. کسی که خواهان آرامش و آسایش در زندگی دنیاست پیوسته باید به یاد حق باشد و این یاد حق تنها عامل آرامش است، و دیگر نه فقدان چیزی او را نگران می‌کند و نه برخورداری از متاعی او را به وجد می‌آورد. در صحیفه سجادیه می‌خوانیم: «پروردگارا! مرا مشغول مگردان به آنچه که جز به واسطه تو به آن دست پیدا نمی‌کنم (امور دنیا) تا از آنچه که چیزی جز آن، تو را از من راضی نمی‌کند باز بمانم؛ و حب دنیای پست را به کلی از قلبم ریشه‌کن کن که حب دنیا مرا از آنچه که نزد توست باز می‌دارد و از طلب و تقرب تو غافل می‌گرداند».

امام سجاد(ع) در زمینه ارتباطات اجتماعی نیز آموزه‌های بسیاری را یادآور می‌شوند که یکی از اهداف تربیتی صحیفه سجادیه در مورد ارتباطات اجتماعی، نحوه ارتباط انسان با والدین است. از مهم‌ترین اهداف *امام سجاد(ع)* این است که هر چه بیش‌تر فرزندان را نسبت به وظایفشان از قبیل اطاعت، احترام، گذشت از والدین و احسان در حق ایشان، آشنا کند و آنان را نسبت به آن وظایف تشویق کند. *امام سجاد(ع)* برای این منظور در دعای بیست و چهارم می‌فرماید: «بارخدا! صدایم را در برابر ایشان آهسته و سخنم را خوشایند و خویم را نرم نما، و دلم را بر آن‌ها مهربان کن، و مرا به ایشان سازگار و بر آنان رحیم گردان».

«وَأَنْظِرْ إِلَيَّ وَأَنْظِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَلَمْ أَقُمْ فِيهِ مَصْلَحَتَهَا، وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي، وَإِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَإِنْ أَعْطُوا قَلِيلًا نَكِدًا، وَمَنُوا عَلَيَّ طَوِيلًا، وَذَمُّوا كَثِيرًا. فَبِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ، فَأَغْنِنِي، وَبِعَظَمَتِكَ فَأَنْعَشْنِي، وَبِسَعَتِكَ، فَأَبْسُطْ يَدِي، وَبِمَا عِنْدَكَ فَأَكْفِنِي».

نتیجه بحث

نتایجی که از این پژوهش استنتاج می‌شود به شرح ذیل است:

امام علی(ع) به جهت حساسیت مسائل اجتماعی جامعه به طور کلی و جامعه اسلامی به نحو خاص اهتمام ویژه‌ای به این پدیده داشته‌اند و این را با مراجعه به مجموعه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های حضرت به ویژه بخش مورد بررسی قرار گرفته عهدنامه حضرت به مالک اشتر می‌یابیم. پرداخت حضرت به مسائل اجتماعی و توصیه‌های

حکومتی در این عهدنامه گاهی با بیانی معمول بوده است و گاهی با بیان ادبی- هنری که در این جنبه از ساز و کارهای بلاغی هوشمندانه‌ای بهره جسته‌اند. پرداخت‌های ادبی- هنری در عهدنامه حضرت به مالک هرچند با روش‌های بلاغی بوده؛ اما وجه تمایز آن‌ها از دیگر آثار آن دوره و دوره‌های بعدی، ویژگی کمال آن‌هاست چراکه تصویرپردازی‌ها و نیز چینش عبارت‌ها و نیز آرایه‌هایی که امام ابداع کرده است، همه ابعاد ناگفته اجتماعی را با بیانی جدید وانموده است و ضمناً آن‌ها را به گونه‌ای معرفی کرده که مخاطبان را دچار شگفتی هنری کرده است. از لحاظ سبک شناختی عهدنامه /مام علی(ع) به مالک /شتر از لحاظ واژگانی مرتبط به مفاهیم اجتماعی می‌باشد و در بخش بلاغی با استفاده از عناصری همچون تقیید، تأکید، معانی فعل امر و نهی، و تصویرهای بیانی شامل کنایه و استعاره تجلی یافته است، در بخش آوایی با استفاده سجع و تکرار در بین الفاظ بر موسیقی نامه‌ها افزوده است و نیز در سطح محتوایی مفاهیم اجتماعی و مسائل مربوط به آن تجلی یافته است. سبک منحصر به فرد ادعیه صحیفه سجادیه با تمام سبک‌های ادبی متفاوت است، سبک ادعیه سجادیه فقط به جنبه ظاهری کلام توجه ندارد بلکه فراتر از این به تأثیر بر مخاطبان توجه دارد که مفاهیم و مضامینی ناب را به خواننده القا می‌کند. در جنبه هنری سبک ادعیه سجادیه برای هیچ پژوهشگری این امکان وجود ندارد که نهایت زیبایی و جمال آن را مشخص نماید چون مملو از تعابیری ناب است که عید در حال راز و نیاز با معبود است.

رویکرد نوین در نظم بخشی بررسی مسائل سبک دعای چهل و هفتم به نگرش روشن و مبانی مشخص کمک می‌نماید، بررسی گزینش واژگان در شناخت تناسب لفظ با آنچه در بافتی مشخص گزینش شده است مهم می‌باشد، همچنین است بررسی نظم و گسترش و تصویر و غیره. اسلوب و سبک جمله‌های صحیفه مبارکه سجّادیه، با اسلوب و سبک جملات روایات و احادیث منقوله از ائمه کرام علیهم السلام کاملاً تفاوت دارد. زیرا روایات در مقام اخبار ولی اکثر جمله‌های صحیفه، در مقام انشاء و دعا می‌باشند. تمامی جملات صحیفه شریفه سجادیه و یا اکثر آن، یا صحبت امام با خالق بی‌همتا است، و یا سخن با نفس و اقرار بر گناه و خطا. علاوه بر آن حضرت در گوشه گوشه دعاها به بیان تصوّرات و آرزوهای خود پرداخته، برای دستیابی به این آرزوها و امیدها اصرار ورزیده و

از گناهان خود توبه کرده، طلب عفو می‌نماید و در برخی موارد امام علیه السلام با اخلاص و صدق گفتار، نفس خویش را معرفی کرده، آن را در معرض خطاب قرار داده، از آن حسابرسی می‌نماید و خود را در معرض عتاب‌های شدید قرار می‌دهد.



کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن الأثیر، ابوضیاء الدین. ۱۹۹۵م، **مثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر**، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت: المكتبة العصرية.

ابن جنی. ۱۹۹۲م، **الخصائص**، چاپ اول، قاهره: دار الکتب المصرية.

ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، بی تا، **لسان العرب**، قم: نشر ادب حوزه.

ابو زید، نصر حامد. ۱۳۸۰ش، **معنای متن: پژوهش در علوم قرآن**، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران: انتشارات طرح نو.

انیس، ابراهیم. ۱۳۷۴ش، **آواشناسی زبان عربی**، ترجمه ابوالفضل غلامی و صفر سفیدرو، تهران: اسوه. آیتی، عبدالمحمد. ۱۳۷۲ش، **صحیفه سجادیه**، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.

البستانی، محمود. ۱۴۰۹ق، **البلاغه فی ضوء المنهج الاسلامی**، مشهد: انتشارات مجمع البحوث الاسلامیة.

البستانی، محمود. بی تا، **بلاغت جدید**، محمدحسن معصومی، چاپ دوم، قم: مارینا.

بن عیسی طاهر. ۲۰۰۸م، **البلاغة العربية**، بی جا: دار الکتب الجديدة.

تفتازانی، سعد الدین. ۱۳۸۸ش، **مختصر المعانی**، چاپ نهم، قم: دار الفکر.

خطیب قزوینی. ۲۰۰۲م، **تلخیص المفتاح**، تحقیق: یاسین الایوبی، چاپ نخست، بیروت: المكتبة العصرية.

خویی، میرزا حبیب الله. ۱۳۸۶ش، **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة**، چاپ دوم، قم: مؤسسه دار العلم.

دانشنامه امام علی. ۱۳۸۰ش، **مقاله امام علی و سیاست**، علی ذوعلم، چاپ اول، ج ۶، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

الرافعی، مصطفی صادق. ۱۹۹۷م، **اعجاز القرآن والبلاغة النبویة**، چاپ اول، قاهره: دار المنار.

زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. ۱۹۷۵م، **البرهان فی علوم القرآن**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار التراث.

زوبعی، طالب محمد اسماعیل. ۱۹۹۶م، **من أسالیب التعبير القرآنی؛ دراسة لغویة و اسلوبیة فی ضوء النص القرآنی**، بیروت: دار النهضة العربية.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۹ش، **شاعر آیینها؛ بررسی سبک هندی و شعر بیدل**، چاپ چهارم، تهران: آگاه.

شمیسا، سیروس. ۱۳۷۴ش، کلیات سبک شناسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوس.
شمیسا، سیروس. ۱۳۸۰ش، کلیات سبک شناسی، چاپ ششم، تهران: نشر فردوس.
صادق الرافی، مصطفی. بی تا، اعجاز القرآن والبلاغة النبویة، بیروت: دار الکتب.
عبدالمطلب، محمد. ۱۹۹۴م، البلاغة والأسلوبیة، چاپ اول، قاهرة: الشركة المصرية العالمية للنشر.
عبد، شیخ محمد. ۱۴۲۷ق، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الخرسان للمطبوعات.
عزام، محمد. ۲۰۰۱م، النص الغائب: تجلیات التناسل فی الشعر العربی، دمشق - سوریا: منشورات اتحاد کتاب العرب.

علی الفرخ. ۱۳۷۹ش، تکوین البلاغة، چاپ اول، بی جا: منشورات دار المصطفی لإحياء التراث.
فتوحی، محمود. ۱۳۹۰ش، سبک شناسی؛ نظریه‌ها و رویکردها و روش‌ها، چاپ اول، تهران: نشر سخن.

فضل، صلاح. ۱۹۹۸م، علم الأسلوب ومبادئه واجراءاته، چاپ اول، قاهره: دار الشروق.
گلدمن، لوسین و تئودور آدورنو و دیگران. ۱۳۷۷ش، درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات (مجموعه مقالات)، ترجمه محمد جعفر پوینده، بی جا: انتشارات نقش جهان.

مجد فقیهی، محمدعلی. ۱۳۸۵ش، آشنایی با صحیفه سجادیه، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی دفتر برنامه ریزی و تدوین متون درسی.

مغنیه، محمدجواد. ۱۳۸۷ش، در سایه سار نهج البلاغه، قم: دار الکتب الاسلامیة.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۹۳ش، پیام امام امیر المؤمنین، قم: دار الکتب الاسلامیة.

میرصادقی، میمنت. ۱۳۷۴ش، واژه‌نامه هنری، چاپ دوم، تهران: کتاب مهناز.
نحله، محمود احمد. ۱۹۸۱م، لغة القرآن الکریم فی جزء عمّ، بیروت: دار النهضة العربیة.

همایی، جلال الدین. ۱۳۸۶ش، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ ۲۷، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

وهبه، مجدی. ۱۹۹۷م، معجم مصطلحات الأدب، چاپ اول، بیروت: بی نا.

مقالات

صالح، رفیق احمد معین. ۲۰۰۳م، «دراسة أسلوبیة فی سورة مریم»، رسالة الماجستير، جامعة النجاح الوطنیة، نابلس.

ممتحن، مهدی و ابراهیم اقبال و سید مهدی حسینی میلانی. ۱۳۹۴ش، «دستور العمل‌ها و دستاوردهای دعا در نهج البلاغه»، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۴۶، صص ۷۵-۱۰۲.

Bibliography

The Holy Quran.

Nahj-Al-Balaghah.

Ibn al-Athir, Abu Dhaya al-Din. 1995, Mesl Al-Saer in the literature of writers and poets, researched by Mohammad Mohi-Al-Din Abdul Hamid, Beirut: Al-Muktab al-Asriya.

Ibn Jani. 1992, Al-Khasais, first edition, Cairo: Dar Al-Maktaba Al-Meriya.

Ibn Manzoor, Abi al-Fazl Jamal al-Din Muhammad ibn Makram, no date, Arabic Language, Qom: Publication of the literature of the seminary.

Abu Zayd, Nasr Hamed. 2001, the meaning of the text: Research in Quranic Sciences, translated by Morteza Kariminia, Tehran: Publications of Tarhe No.

Anis, Ibrahim. 1995, Arabic phonology, translated by Abolfazl Gholami and Safar Sefidro, Tehran: Oswa.

Ayati, Abdul Mohammad 1993, Sahifa Sajjadih, first edition, Tehran: Soroush Publications.

Al-Bustani, Mahmoud 1409 AH, Al-Balagha Fi Zu Al-Monhaj Al-Eslami, Mashhad: Publications of the Islamic Research Association.

Al-Bustani, Mahmoud, no date, New Rhetoric, Mohammad Hassan Masoumi, Second Edition, Qom: Marina.

Ibn Isa Tahir. 2008, Al-Balaghah Al-Arabiya, no place: Dar al-Kitab al-Jadidah.

Taftazani, Saaduddin 2009, summary of meanings, ninth edition, Qom: Dar al-Fikr.

Khatib Qazvini. 2002, summary of Al-Muftah, research: Yassin Al-Ayoubi, first edition, Beirut: Al-Muktabah Al-Asriya.

Khoei, Mirza Habibullah. 2007, Minhaj al-Bara'a fi Sharh Nahj al-Balaghah, second edition, Qom: Dar Al-Alam Institute.

Encyclopedia of Imam Ali. 2001, Imam Ali and Politics, Ali Zou Elm, First Edition, Volume 6, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.

Al-Rafi'i, Mustafa Sadegh 1997, Ejaz Al-Qur'an and Al-Balagha Al-Nabuyat, First Edition, Cairo: Dar al-Manar.

Zarkashi, Badruddin Muhammad bin Abdullah. 1975, Al-Burhan Fi Uloom Al-Quran, research: Mohammad Abolfazl Ibrahim, Cairo: Dar Al-Tarath.

Zubai, Taleb Mohammad Ismail 1996, from the principles of Quranic interpretation; Dorasat Loghaviyat Va Oslobiyat Fi Zu Al-Nass Al-Qurani, Beirut: Dar Al-Nahza Al-Arabiya.

Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza 2000, the poet of mirrors; A Study of Indian Style and Bidel Poetry, Fourth Edition, Tehran: Agah.

Shamisa, Sirius. 1995, Generalities of Stylistics, Third Edition, Tehran: Ferdows Publications.

Shamisa, Sirius. 2001, Generalities of Stylistics, sixth edition, Tehran: Ferdows Publishing.

Sadegh Al-Rafi'i, Mustafa, no date, Ejaz Al-Quran and Al-Balaghat Al-Nabuyat, Beirut: Dar al-Kitab. Abdulmutallab, Mohammad 1994, Rhetoric and style, first edition, Cairo:

Egyptian International Company for Publishing.

Abdu, Sheikh Mohammad 1427 AH, Description of Nahj al-Balaghah, first edition, Beirut: Al-Khursan Foundation for Press.

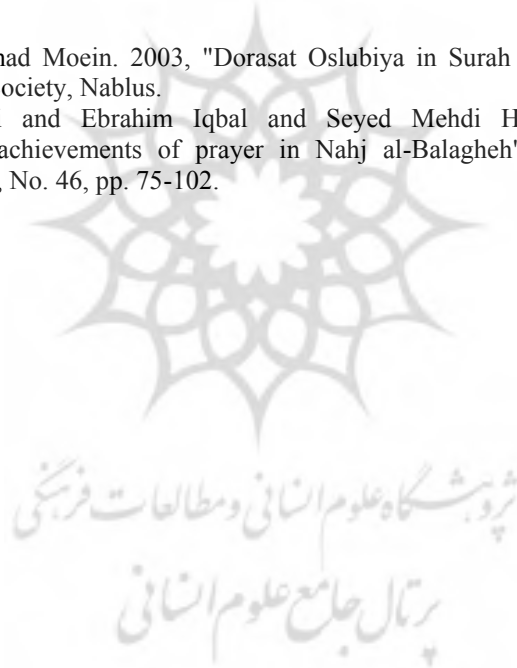
Azam, Mohammad 2001, Al-Nas Al-Ghaeb: Manifestations of Contribution in Arabic Poetry, Damascus-Syria: Publications of the Unity of the Arabic Book.

Ali Al-Faraj. 2000, Takvin al-Balaghah, first edition, no place: Manshurat Dar al-Mustafa Leahya Al-Taras.

- Fotuhi, Mahmoud 2011, *stylistics; Theories, Approaches and Methods*, First Edition, Tehran: Sokhan Publishing.
- Fazl, Salah. 1998, *Elm Al-Oslub and Mobadea and Ejraata*, First Edition, Cairo: Dar al-Shorouk.
- Goldman, Lucien and Theodore Adorno and others. 1998, *An Introduction to the Sociology of Literature* (collection of articles), translated by Mohammad Jafar Pooyandeh, no place: Naghsh Jahan Publications.
- Majd Faqih, Mohammad Ali 2006, *Introduction to Sahifa Sajjadih*, Qom: World Center of Islamic Sciences Office of Textbook Planning and Compilation.
- Mughniyeh, Mohammad Javad 2009, *in the shadow of Nahj al-Balaghah*, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Makarem Shirazi, Nasser. 2014, *Message of Imam Amir Al-Mo'menin*, Qom: Dar Al-Kotob Al-Islami.
- Mir Sadeghi, Meimanat, 1995, *Art Dictionary*, Second Edition, Tehran: Mahnaz Book.
- Nahleh, Mahmoud Ahmad 1981, *Lughat Al-Quran Fi Joz Amm*, Beirut: Dar Al-Nahza Al-Arabiya.
- Homay, Jalaluddin 2007, *Rhetoric and Literary Crafts*, 27th edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance
- Vahaba, Majdi, 1997, *Dictionary of Literary Terms*, First Edition, Beirut: Bina.

Articles

- Saleh, Rafiq Ahmad Moein. 2003, "Dorasat Oslubiya in Surah Maryam", *Al-Majastir*, National Patriotic Society, Nablus.
- Momtahn, Mehdi and Ebrahim Iqbal and Seyed Mehdi Hosseini Milani. 2015, "Instructions and achievements of prayer in Nahj al-Balagheh", *Journal of Nahj al-Balagheh Research*, No. 46, pp. 75-102.



A study of the stylistic style of the elements of society in the covenant of Malik Ashtar and the forty-seventh prayer of Sahifa Sajjadih

Date of Received: October 8, 2019

Date of Acceptance: January 18, 2019

Ali Sadeghnejad

PhD student in Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Mohammad Hassan Masoumi

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Qom, Iran. Dr_masomi38@yahoo.com

Seyedakbar Ghazanfari

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Corresponding author: Mohammad Hassan Masoumi

Abstract

The equivalent of the word "style" in Arabic is "Oslub" and in English, it is "style". One of the sciences that are as important and independent today in the field of language and literature as other fields of art is stylistics. Stylistics is the description and analysis of various forms of language in the practical applications of language. The concepts of style and stylistic diversity in language are based on the general assumption that within a language system, a single content can be encoded in more than one linguistic form. Style in language is not merely a superficial representation, but on the contrary forms an essential part of the meaning conveyed by the author. Stylistics is used to study all types of texts, but the study of religious texts is one of the most important fields of stylistics. Society is a collection of human beings who are connected to each other by specific systems and traditions, customs and laws and have a collective life; Imam Ali (AS) and Imam Sajjad (AS) in addition to sermons, letters and wisdom have presented scientific and valuable statements about this phenomenon.

Keywords: Nahj al-Balaghah, Sahifa Sajjadih, Society, Covenant, Literary-Artistic Description.